

نقش آفرینی زنان در نهادینه سازی سبک زندگی اسلامی با تکیه بر آموزه های اسلامی و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی^۱

سید حسین شفیعی دارابی^۲

فاطمه اسبقی^۳

چکیده

با وجود آنکه بانوان مسلمان در شکل گیری و تداوم نهاد مقدس خانواده و جامعه اسلامی، همواره نقشی اساسی در فرهنگ سازی داشته اند، اما گاه نگاه جنسیتی، منجر به غفلت از نقش بانوان در نهادینه سازی سبک زندگی اسلامی شده است؛ از این رو با امکان نظر به اهمیت مسئله سبک زندگی اسلامی، مقام معظم رهبری همچون دیدبانی حکیم و خیرخواه، به ضرورت زدودن غفلت از آن توجه نشان داده اند و گام های مؤثری در این راستا برداشته اند. ایشان در پرتو آموزه های اسلامی، برای نهادینه نمودن نقش چشمگیر بانوان، نکات سودمندی را یادآور شده اند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن بهره گیری از توصیه های حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ایران در خلال بیانیه گام دوم، می کوشد تا با تحلیل مضامین، به تبیین نقش بانوان مسلمان در دو حوزه «خانواده» و «اجتماع» بپردازد. مضامین حاصل از پژوهش این است که قشر عظیم بانوان، در حوزه هایی همچون: تحکیم نهاد خانواده، روان و عاطفه، تربیت درست، پویایی جامعه، سیاست همگون با طراز آموزه های اسلامی و گرایش و تثبیت دین باوری در خانواده ها و جامعه، نقش کلیدی دارند. واژه های کلیدی: سبک زندگی، زن، بیانیه گام دوم، نقش زیستی، نقش روانی، نقش اجتماعی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳

۲. دانشیار جامعه المصطفیٰ علیه السلام العالمیه، قم shafieidarabi@chmail.ir

۳. طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی، حوزه علمیه کوثر، تهران rohangizabaghi@yahoo.com

مقدمه

سبک زندگی، از مباحث بسیار مهم جوامع انسانی و از ارکان اصلی شکل دهی هویت اجتماعی یک جامعه است. هویت واقعی یک جامعه را، نمود ظاهری و سبک زندگی مردمان آن جامعه نشان می‌دهد. جامعه، زمانی ثمره‌ی جهان بینی و ایدئولوژی خود را می‌بیند که سبک زندگی، متناسب با باورها و ارزش‌های حاکم بر آن جامعه باشد. مطالعات نشان می‌دهد جامعه‌ی کنونی نتوانسته است بین باورهای بنیادین و ارزش‌های اصیل اسلامی از یک طرف و سبک زندگی خود در حوزه‌های مختلف، ارتباط معناداری به وجود آورد. در حال حاضر، سبک زندگی در کشورهای اسلامی مختلط از آداب و رسوم اسلامی و غربی است که ناشی از عدم شناخت صحیح از سبک زندگی اسلامی و توجه به عوامل مؤثر در شکل دهی آن است. غفلت از ارائه‌ی سبک زندگی اسلامی، می‌تواند عواقب شومی را برای جوامع اسلامی در پی داشته باشد که جبران ناپذیر خواهد بود. حفظ سبک زندگی اسلامی و پای بندی به آن یکی از مهم ترین عوامل در حفظ فرهنگ و حتی ارزش های اقتصادی است. از این رو در طول تاریخ یکی از شیوه های استعمارگری، تهاجم به نگرش و سبک زندگی در جوامع اسلامی است تا از این طریق زمینه برای تسلط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه‌ی هدف فراهم شود. قبل از تغییر سبک زندگی، نگرش و دیدگاه افراد نسبت به مسائل اجتماعی و فرهنگی دگرگون می‌شود و با تغییر رفتار و جهان بینی فرد، زمینه برای انحراف های دیگر نیز فراهم می‌گردد. مهم ترین مسائل در سبک زندگی شامل نوع زندگی، فعالیت های معیشتی، فرهنگ خانواده مداری، تشکیل خانواده و ازدواج، شیوه‌ی ظاهری افراد، پیروی از آداب و رسوم محلی، احترام به دیگران، نوع شهرسازی، شیوه‌ی تفریح ها و در نهایت نوع کالاهای مصرفی است. مهم ترین بخش سبک زندگی، نوع نگرش، احساس ها، رفتارها، باورها و ارزش های فردی و اعتقادی است. از آن جا که جامعه‌ی ما بر نظام دینی و ارزشی تکیه دارد، باید سلوک زندگی اجتماعی و فردی بیانگر این اصول و مبانی باشد. آموزه ها و تعالیم اسلام در باب شیوه و سلوک زندگی مسلمانان، احکام و قواعد کاملی دارد که رعایت این اصول و قوانین لازم و ضروری است (ر.ک: خواجه پور، ۱۳۹۳).

به نظر می‌رسد، امکاناتی که در درون خانواده برای فرهنگ‌سازی و صیانت از ارزش‌های اسلامی و ترویج سبک زندگی وجود دارد، قابل توجه است. از ابعاد و انواع امکانات بالقوه و بالفعل این نهاد اجتماعی؛ روابط مودت‌آمیز اعضای خانواده است که به راحتی خطاها و کاستی‌ها را در خود هضم می‌کند و عرصه‌ای برای رشد و اعتلای افراد فراهم می‌سازد و نیز تأثیرپذیری از رفتار والدین که با مکانیسم منحصر به فرد انجام می‌پذیرد. با توجه به اهمیت مسئله نقش‌آفرینی زنان در نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی، نگارنده سطور، مناسب دیده است در حد امکان، نقش‌آفرینی زنان در نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی را از منظر مقام معظم رهبری تحلیل کند؛ چراکه گاه خود بانوان از جایگاه و اثرگذاری‌شان در نظام احسن تکوین بی‌خبرند. در نتیجه این مقاله باهدف نهادینه‌سازی این فرهنگ نگاه شده است، از این رو ایده مکمل بودن که نظریه دینی است و در برابر نظریه سنتی غرب (خدمت‌رسانی یک‌سویه زن) نظریه برابری و استقلال قرار دارد، مبنای مهم تمایز نقش‌هاست. این تمایز می‌تواند به طبیعت و عوامل فرهنگی و کارکردی بازگردانده شود؛ از آنجاکه این احکام ثابت‌اند، تمایز نقش‌ها از این جهت تغییرناپذیرند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸ش: ص ۲۴۹). طبق این اصل، از نهادینه‌سازی و رسالت زنان به خصوص در امر ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی سخن به میان آورده‌ایم.

با توجه به تهاجم فرهنگی غرب به خصوص با وسایل ارتباطی جدید، سبک زندگی در جوامع اسلامی با چالش‌های جدی مواجه شده است. اقدام برای بازیابی سبک زندگی اسلامی مطابق شرایط روز، از ضروریات مقابله با گرایش جامعه به سوی فرهنگ غربی است. التفات رهبر انقلاب به این مقوله، نمایانگر آن است که ایشان بسیار به «وضع اجتماعی» و «مناسبات و احوالات مردم در لایه اجتماعی»، نظر دارند و دغدغه‌ها و ملاحظه ایشان محدود به لایه سیاسی نیست. این امر بدان جهت است که هدف حقیقی انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی جهت استكمال انسان و وصول آدمی به مراتب و درجات معنوی و روحی است؛ برآیند مطلوب این وضعیت، می‌تواند دست‌یابی به «سبک زندگی اسلامی» باشد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب تصریح می‌نمایند:

«سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زبان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است. مقابله با آن جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌هاست» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

سبک زندگی، مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها است که مشی کلی فرد را در جهت رسیدن به اهداف و غلبه بر مشکلات تعیین می‌نماید، از این رو دلالت بر مجموعه عناصری دارد که به طور نظام‌مند باهم در ارتباط هستند و یک کل را تشکیل می‌دهند که همین وحدت و نظام واحد این کل را از کل‌های دیگر تمایز می‌دهد (کاویانی، ۱۳۸۸ش؛ ص ۱۳۵). در عین حال واژه سنت یا سبک زندگی در ابتدا توسط مسلمانان و از روش زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گرفته شده است؛ از این رو این مفهوم در دین مقدس اسلام از سابقه ای ۱۴۰۰ ساله برخوردار است. روایات متعددی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام درباره زندگی باسعادت و تشویق مسلمین به رعایت دستورات دینی در کلیه مراحل زندگی در منابع اسلامی موجود است؛ هرچند از سبک زندگی اسلامی در قرآن کریم، تنها یک بار با عنوان حیات طیبه سخن به میان آمده، اما در جای جای قرآن اشارات بسیاری به آن شده است.

از اسناد روایی مشهور درباره سبک زندگی اسلامی، خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه است، به طوری که چندین فراز از این خطبه به تبیین سبک زندگی متقین می‌پردازد. اهمیت سبک زندگی اسلامی در اندیشه رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خمینی رحمته الله علیه و پافشاری‌های حضرت آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه در این باره، باعث شد تا متفکران و صاحب‌نظران به این مبحث توجه ویژه نموده و از دیدگاه‌های مختلف به بررسی آن بپردازند و آن را در حوزه علوم انسانی بیشتر مورد تحقیق و بازنگری قرار دهند. آنچه در ادامه می‌آید لیست کتاب‌های جامع و مفید در خصوص سبک زندگی اسلامی است.

کتاب «مفاتیح الحیات» اثر علامه جوادی آملی؛ کتاب «سیری در سیره نبوی» اثر استاد

مرتضی مطهری؛ کتاب «زندگی به سبک روح‌الله» شامل برداشت‌ها و برش‌هایی از سیره خانوادگی حضرت امام خمینی علیه السلام و به کوشش علی‌اکبر سبزیان؛ همچنین کتاب «مصرف و سبک زندگی» تلاشی از محمد فاضلی برای آشناسازی با مفهوم دقیق سبک زندگی؛ کتاب «دین و سبک زندگی» به قلم دکتر محمد سعید مهدوی کنی؛ کتاب «سنن النبوی» تألیف آیت‌الله طباطبایی و یا مجموعه مقالاتی که به‌طور مرتبط‌تر با بحث گام دوم انقلاب و سبک زندگی. در این آثار، رسالت زنان در سبک زندگی اسلامی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

پژوهش‌های حاضر، به‌طور مستقیم به تبیین نقش بانوان در سبک زندگی اسلامی در سه بُعد زیستی، روانی و اجتماعی با توجه به آموزه‌های دینی و منویات مقام معظم رهبری پرداخته است و به این نتیجه دست یافته است که شیوه زندگی به هر میزان به موازین ناب اسلامی نزدیک‌تر شود، به تبع، افراد سلامت روان و رفتار خود را بازمی‌یابند و آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها یا به‌طور کلی، از بین رفته و یا دست‌کم، کاهش می‌یابند و به شیوه‌ای منطقی و کارآمد، مشکلات پیش‌آمده برطرف خواهند شد. افزون بر آنکه، انقلاب اسلامی، یک انقلاب «مردم‌پایه» و به شدت «اجتماعی» است و قوام و دوام آن، وابسته به پشتوانه و بنیان مردمی‌اش است و چنانچه اوضاع و احوال فرهنگی مردم دگرگون شود و از آموزه‌های اسلام ناب محمدی و اهل بیت علیهم السلام فاصله گیرد، انقلاب نیز دچار چالش می‌شود. از آنجا که اولین شرط داشتن جامعه‌ای انقلابی اسلامی، حفظ سلامت و تحکیم خانواده است، نقش‌آفرینی بانوان در حوزه خانواده و اجتماع قابل توجه است.

در این جستار، با روش تحقیق کتابخانه‌ای، نخست به بررسی نقش‌آفرینی زنان در بُعد زیستی و سپس بُعد روانی پرداخته شده است و در ادامه، نقش اجتماعی که در فرایندی از کنش‌های متقابل است و عمل به آن‌ها موجب شکل‌گیری نقش‌آفرینی زنان بر ترویج فرهنگ اسلامی بر مبنای زنده کردن مفاهیم دینی و قرآنی و منویات مقام معظم رهبری علیه السلام پرداخته شده است.

۱. نقش آفرینی زنان در بُعد زیستی

شناخت شخصیت انسانی زن و زمینه‌سازی برای رشد شخصیت وی در محیط خانواده، زن را بستر رشد و تعالی اعضای خانواده قرار می‌دهد. این مسئله غیرقابل انکار بوده و منطقی‌ترین رفتار علمی است. بنابراین، این یک رابطه‌ی دوسویه بین دو رکن اصلی جامعه، یعنی بانوان و خانواده خواهد بود. بر این اساس که زن مؤثرترین عامل در انسجام، ایمنی بخشی، تربیت و هدایت دینی نهاد خانواده است؛ بارداری، زنان را آماده ایفای وظایف مهم مادری و حمایت و مراقبت از نوزاد می‌کند که این خود نمایانگر نقش مراقبت‌گرایانه‌ی مادران است. پس از تولد نیز، مادر نخستین فرد نزدیک به کودک است که با کودک تماس مستقیم دارد. امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند: «اول مدرسه‌ای که بچه دارد، دامن مادر است؛ مادر خوب بچه‌ی خوب تربیت می‌کند و خدای نخواسته اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر منحرف بیرون می‌آید» (خمینی، ۱۳۶۳ش: ج ۶، ص ۱۵۷).

امام علی علیه السلام به نقش وراث (قبل از تولد) در تربیت اینگونه اشاره کرده است: «اولی الناس بالکرام من عرقت فیہ الکرام (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۶)؛ سزاوارترین مردمان به بزرگواری، کسی است که بزرگواران در او ریشه دارند». بر همین اساس است که نقل شده از زن دیوانه طلب فرزند نکن، یعنی از زن عاقل طلب فرزند کن، چراکه وراثت از طریق زن مادر به فرزندش انتقال می‌یابد (ر.ک: مجلسی، ۱۳۷۴: ج ۵، ص ۱۵۷).

مقام معظم رهبری علیه السلام در گام دوم انقلاب اسلامی، عوامل انسجام خانواده را در سه عنوان «تشکیل خانواده»، «اقتصاد خانواده» و «وظایف اعضای خانواده» مطرح نموده است و نیز ویژگی‌های همسر شایسته؛ دین‌داری، نجابت، صلاحیت، اخلاق، شرافت، کفویت در ایمان را یکی از عوامل مؤثر در تشکیل خانواده معرفی نموده‌اند. همچنانکه عوامل مؤثر در اقتصاد خانواده را جشن ازدواج، رعایت سادگی، عدم اسراف و هزینه کردن مال حرام، میزان مهریه و جهیزیه در حد توانایی والدین بیان کرده‌اند که این عوامل با نقش مهم و بی‌بدیل بانوان در نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی در ارتباط است (Khamenei.ir).

همچنین مقام معظم رهبری علیه السلام وظایف بانوان در خانواده را که موجب تحکیم خانواده

می‌شود، به دو مجموعه تقسیم می‌کنند: ۱. نگرش‌های مطلوب؛ ۲. وظایف عملی. از «نگرش‌های مطلوب» می‌توان به بی‌اعتنایی به زخرف دنیوی، امیدواری به اجر الهی در قبال «حسن التبعل»، حفظ آبرو و اسرار همسر اشاره کرد و در بخش «وظایف عملی» بانوان در خانواده به تشویق و حمایت عملی از فعالیت‌های همسر و فرزندان در عرصه اجتماع، رعایت مصالح اعضای خانواده، افزایش تولیدمثل، مدیریت فضای خانواده و روحیات اعضا اشاره کرد (مبینی مقدس، ۱۳۹۹ش: ص ۳۴).

علامه طباطبایی رحمته‌الله می‌نویسد: «فالنساء هنّ الرکن الاول والعامل الجوهري للاجتماع الانسانی؛ زنان، سنگ زیرین و رکن اساسی و علت واقعی انسجام و تشکیل اجتماع خانوادگی انسان‌ها هستند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۲۲۳).

در طول انقلاب اسلامی، تلاش غرب سبب شده سبک زندگی غربی در جوامع اسلامی رسوخ یابد که بنا به نص بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)، آثار جبران‌پذیر و غیرقابل جبرانی در بطن جامعه اسلامی بر جای گذاشته است. سبکی که ترویج آن باعث سست شدن نهاد خانواده شده است؛ چراکه در این الگوی غربی، نهاد خانواده و نقش حقیقی زن و مرد جایگاه حقیقی خود را از دست داده و افراد را به سوی خانواده‌گریزی، خانواده‌ستیزی و یا میل به فرد انگاری و تجرد سوق می‌دهد. بدون شک زنان به‌عنوان یکی از دو محور اصلی خانواده، با توجه به ویژگی‌ها و توانایی‌های فردی خود و با شناخت دقیق این آسیب‌ها، می‌توانند با عملکردی هوشمندانه در بُعد خانوادگی، هر آنچه اثر سوء و به‌نوعی اسباب ترویج سبک زندگی غربی در نهاد خانواده است را به‌درستی شناخته و با آن مقابله نمایند، این عملکرد سبب حفظ انسجام خانواده است.

مقام معظم رهبری رحمته‌الله در این رابطه می‌فرمایند:

«زن با نقاط قوت زنانه‌ی خود. که خدای متعال در وجود او به ودیعه گذاشته - همراه با ایمان عمیق و استقرار ناشی از اتکا به خداوند و همراه با عفت و پاک‌دامنی - که فضای پیرامون او را نورانیت می‌بخشد. می‌تواند در جامعه یک نقش استثنائی این‌گونه ایفا کند؛ هیچ مردی قادر به ایفای چنین نقشی

نیست. زن مثل کوه استواری از ایمان، در عین حال مثل چشمه جوشانی از عاطفه و محبت و احساسات زنانه، تشنگان و محتاجان نوازش را از چشمه صبر و حوصله و عاطفه خود سیراب می‌کند. اگر زن با این خصوصیات در عالم وجود نبود، انسانیت معنا پیدا نمی‌کرد» (بیانات رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۴/۰۳/۲۵).

زنی که بنا بر فطرت الهی، ارتباط روحی عمیق با خدا برقرار نموده و با توکل و اعتماد به خدا و دل بستن به لطف و عنایت او، آرامش خاطر و آرامش روانی‌ای از جانب دین نصیبش می‌شود که هرگز یأس و ناامیدی را در مراحل دشوار زندگی به دل خویش راه نمی‌دهد. این یعنی رسیدن به نهایت کمال انسانیت و ثمره‌ی این اعتقاد عمیق، مقام خلیفه‌اللهمی است: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (بقره: ۳۰)؛ «و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت...».

استعداد و قدرت شگرفی که خداوند در انسان قرار داده است، امتیاز بزرگی است که به حق، زن و مرد را شایسته خلافت و جانشینی کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳ش: ج ۱، ص ۱۷۷؛ طبری، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۱۵۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۱، ص ۱۷۶). این شایستگی از رابطه‌ی معنوی با حق تعالی نشئت می‌گیرد (شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ص ۱۱۰).

زنان نقش بسزایی در رسیدن به کمال و مقام خلیفه‌اللهمی افراد دارند، زیرا بخش عمده‌ای از فرهنگ جامعه به‌طور طبیعی به‌وسیله مادر به اعضاء خانواده منتقل می‌شود. مهم‌ترین نقش مادر، پس از تولد نوزاد، فراهم ساختن فضای معنوی برای تربیت دینی است. مادر، به‌عنوان کسی که بیش از دیگران در محیط خانه و با نوزاد به سر می‌برد، باید محیط خانه را به فضای معنوی تبدیل کند. اثر محیط زندگی بر اخلاق و رفتار انسان، به‌ویژه کودک و نوجوان بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است. اگر محیط خانواده، محیطی معنوی و مأنوس با دعا، نماز، تلاوت قرآن و مناجات باشد، فرزندان پرورش یافته در آن محیط با معنویت و دعا آشنا می‌شوند و به تدریج، آن خلق و خو را فرامی‌گیرند (شایسته رخ و بهرامی، ۱۳۹۱ش: ۶۴۹).

بدین ترتیب می‌توان بر این باور بود که دامان مادر، اولین پایگاه تربیتی است که

کودک علم و اخلاق و دین را می‌آموزد و این امر به‌مخصوص باید در سال‌های اول زندگی پایه‌گذاری شود. به‌هنگامی که طفل هنوز خردسال است، کلمه توحید را بر زبانش جاری سازد و گوش او را با کلمات مذهبی آشنا سازد. در چنین صورتی است که این خاطره‌ها فراموش نمی‌شود و برای همیشه جاویدان می‌ماند (قائمی، ۱۳۶۸ش: ص ۱۴۹ و ۱۵۴).

در صورتی که زن تربیت‌یافته فرهنگ عالی اسلام باشد؛ مانع نفوذ هر مسئله نادرست در اندیشه کودک خود می‌شود؛ چراکه شخصیت کودک در محیط انس و محبت با مادر سپری می‌شود. ورود پرمهر و عطوفت او، سبب تأثیرپذیری عمیق کودک از رفتار و گفتار مادر می‌شود. ماحصل و نتیجه تربیت این مادران، فرزندان فرهیخته و ایثارگری است که فرهنگ ایثار را در جامعه اسلامی تا ابد زنده نگه می‌دارند و می‌توان گفت که امنیت و آرامش امروز جامعه مدیون حضور پرصلابت این مادران و همسران و خون پاک فرزندان آن‌ها است.

بنابراین اصلی‌ترین محور نقش آفرینی بانوان در گام دوم انقلاب و تحقق سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت بر اساس بیانات رهبری و آموزه‌های قرآن بر یک محور اساسی می‌چرخد و آن چیزی جز نقش مقدس مادری دین‌باور و دین‌دار نیست.

۲. نقش آفرینی زنان در بُعد روانی

گاه فشارهای روانی و تهدیدهای روحی، مخرب‌تر از آسیب‌های جسمانی از جمله ضرب و شتم و... است که البته به علت محسوس نبودن و دشواری اثبات، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. با این حال اگر اختلال امنیت روانی از مصادیق عسر و حرج و سوء معاشرت محسوب شود، برای فرد آسیب‌دیده حمایت‌های حقوقی در نظر گرفته می‌شود، مانند آنجا که مقام معظم رهبری می‌فرماید: «در شرع آمده که پیوند ازدواج را محکم نگه دارید؛ در زمینه‌ی اخلاق و رفتار گفته: وقتی زن گرفتید؛ وقتی شوهر کردید؛ باید اخلاقتان را خوب کنید، باید همکاری کنید، باید وفاداری کنید، باید گذشت کنید، باید محبت کنید، باید او را دوست بدارید؛ این‌ها همه‌اش احکام شرع است، این‌ها همه‌اش دستورات است» (بیانات رهبری در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۲/۱۰/۶).

با توجه به واقعیات موجود در بستر اجتماع، به وضوح می‌توان گفت که از بهترین ثمرات تشکیل خانواده، آرامش و امنیت خاطری است که خداوند آن را با ازدواج مرد و زن پس از آفرینش آنان، مقدر ساخته است. اگر یأس، نومیدی و اضطراب و بی‌پناهی عاطفی را از معضلات جوامع امروزی به شمار آوریم، بی‌شک باید با تشکیل خانواده سالم در استحکام آن بیندیشیم.

انسان، افزون بر نیازهای مادی و معیشتی، نیاز به محبت، صمیمیت و عشق دارد. خانواده نخستین گروه اجتماعی است که در آن نیازهای عاطفی می‌تواند، برآورده شود و عمیق‌ترین احساسات شخصی ابزار شود، خانواده به این لحاظ کارکردی به عنوان «یک پناهگاه در دنیای بی‌عاطفه» دارد و مکانی برای آخرین پناهندگی عاطفی و استراحت است (ر.ک: قنادان و دیگران، ۱۳۷: ص ۱۵۰؛ دادخواه، ۱۳۸۵: ص ۱۰۷؛ محسنی، ۱۳۷۶: ص ۳۰۴؛ روسک و وارن، ۱۳۶۹: ص ۱۵۳-۱۵۲؛ اعزازی، ۱۳۸۷: ص ۱۷۰؛ کافی، ۱۳۸۵: ص ۲۰۶؛ بستان، ۱۳۸۳: ص ۸۰؛ نوربخش، ۱۳۸۴: ص ۳۲۳؛ به نقل از هدایت نیاگنجی، ۱۳۹۰: ص ۳۱۳).

در قرآن کریم چند چیز وسیله آرامش معرفی شده است، یکی از آن‌ها «همسر» است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ﴾ (روم: ۲۱)؛ «و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است».

در صورتی همسران می‌توانند مایه آرامش یکدیگر باشند که رفتارهای آنان از دواصل مودت و رحمت که لوازمات رابطه صحیح هستند، نشئت گیرد، مودتی که در قلب ایجاد می‌شود و رحمتی که در عمل نمایان است. با توجه به این بخش از آیه ﴿وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (روم: ۲۱)، به این امر می‌رسیم که جعل مودت و رحمت در میان همسران یک جعل تکوینی است به این معنا که استعداد قبول محبت و مودت و رحمت از یکدیگر در نهاد همه گذارده شده، با علقه زوجیت آغاز گشته و با ادای حقوق یکدیگر، این محبت و مودت، بالفعل و شعله می‌گیرد تا به کمال خودش برسد، هرچند فعلیت آن نیز از خداوند

افاضه می‌شود و خداوند آن را این‌طور در وجود زوجین نهادینه کرده و قرار داده است. مقام معظم رهبری علیه السلام درباره این حیطة از نقش آفرینی بانوان می‌فرماید: «کانون خانواده، جایی است که عواطف و احساسات باید در آنجا رشد و بالندگی پیدا کنند. برای یک مرد بزرگ، این همسر کاری را می‌کند که مادر برای یک بچه کوچک آن کار را می‌کند و زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند» (بیانات رهبری در دیدار با اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۰۴).

از شگفتی‌های آفرینش زن، همین عواطف رقیق و قلب مهربانی است که در یک زن سالم به ودیعت نهاده شده و روحیه مهرورزی و صلح‌جویی او است که می‌تواند روحیه خشن و ناهموار مرد را تعدیل کند. خداوند این کانون متعالی و دارای قطب‌های مختلف را مکمل هم قرار داده تا چرخ هستی بر مدار سازگاری و توازن و تعادل حرکت کند (همان). ارزش خانواده پیش از هر چیز بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن استوار است؛ اعضایی که انجام حقوق متقابل، آنان را در کنار یکدیگر نگاه داشته است و اگر این جریان بر اساس دوستی و تفاهم و برکنار از منیت‌ها ادامه یابد، به کمال انسانی مورد انتظار خواهد انجامید. زن، با ظرفیت‌های عاطفی و با استعداد خویش، پناهگاهی مناسب به نام خانه و خانواده را برای خود تدارک می‌بینند و ضمن تبادل احساسات به انسجام و قوت بخشیدن روزه‌روز خانواده می‌اندیشند.

مقام معظم رهبری علیه السلام در جایی دیگر فرموده‌اند: «خانواده اگرچه از زن و مرد تشکیل می‌شود و هر دو در تشکیل و موجودیت خانواده مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده و آرامش و سکونتی که در فضای خانواده است؛ به برکت زن و طبیعت زنانه است. با این چشم به زن نگاه کنند تا معلوم شود که زن چگونه کمال پیدا می‌کند و حقوق زن چیست؟» (بیانات رهبری در دیدار با جمعی از زنان، ۱۳۷۱/۹/۲۵).

ایشان در خطبه عقد زوج‌های جوان، بیان می‌کنند: «در بنا و تشکیل خانواده و در حفظ خانواده، باید این احکام اسلامی را رعایت کرد تا خانواده باقی بماند. از این رو شما در خانواده‌های متدین که زن و شوهر به این حدود اهمیت می‌دهند، می‌بینید که سال‌های

متممادی باهم زندگی می‌کنند. محبت زن و شوهر به یکدیگر باقی می‌ماند و جدایی‌شان از هم سخت است و دل درگرو محبت یکدیگر دارند» (بیانات رهبری در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۹/۱۲/۲۳). «دل بستگی‌شان به هم بیشتر می‌شود، انس و محبت و وفایشان به همدیگر بیشتر می‌شود». (بیانات رهبری در خطبه‌ی عقد، ۱۳۸۰/۱/۲)

این حسن و این محبت‌هاست که بنای خانواده را ماندگار می‌کند و همان خاصیت تدین و دین‌داری و مذهبی بودن و جهات خدایی را رعایت کردن است.

۳. نقش آفرینی زنان در بُعد اجتماعی

بانوان با توجه به نقشی که در عرصه‌ی خانوادگی و اجتماعی زندگی دارند، باید آگاهانه عمل کرده و با شناخت صحیح از جایگاه خود به وظایف خویش اهتمام بیشتری ورزند تا از این طریق هم با هجمه‌ها و مکر دشمنان مقابله کنند و هم موجبات تسریع در تحقق اهداف گام دوم انقلاب را فراهم سازند. در این بخش برخی از مهم‌ترین جنبه‌های نقش آفرینی بانوان در بستر اجتماع مورد بررسی قرار گرفته است.

از منظر رهبر انقلاب اسلامی علیه السلام، نفس این علاقه‌ی زوجیت و تشکیل یک واحد جدید، مایه‌ی آرامش زن و مرد و مایه‌ی کمال و اتمام شخصیت آن‌هاست. بدون آن هم زن و هم مرد ناقص‌اند (بیانات رهبری در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۶/۲/۱۰). اسلام برای مرد حقوقی، برای زن حقوقی، برای زندگی آدابی، برای ازدواج، روش و شیوه‌ای معین کرده است؛ [چراکه] اصل این است که خانواده [پایدار] بماند و خوشبخت باشد» (بیانات رهبری در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۷/۱/۱۹). [پس] اگر این کانون سالم و پایدار شد، بر روی آینده و بر روی همین وضع فعلی جامعه تأثیر خواهد گذاشت (بیانات رهبری در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۶/۲/۱۰) و منجر به رشد و استحکام خانواده خواهد شد.

در نگاه پیشوایان دین، باورها، چگونگی زندگی، عادت‌ها، تمایلات و اهداف والدین از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کودکان هستند. نوع رفتار والدین در هماهنگ‌سازی خواست‌ها و تمایلات از یک سو و تمایلات خانوادگی و اجتماعی از سوی دیگر و تلاش

پیوسته آنان برای تأمین رفاه و سلامتی روانی خانواده و نوع برخوردشان با وظایف دینی و اجتماعی، از عوامل ایجاد هسته تعاون و همکاری اجتماعی در کودک اند. از آنجاکه در دوران کودکی بنیان‌های شخصیت فرد شکل می‌گیرد، نحوه زیستن افراد معمولاً بازتاب و برگردان نحوه تربیت فرد در دوران کودکی است.

مقام معظم رهبری علیه السلام در مورد خانواده و نقش تربیتی زن در آن می‌فرمایند:

« از نظر اسلام، خانواده یک رکن بزرگ است. اگر باشد و سالمش باشد و تربیت درست باشد، در پیشرفت کار جامعه به صورتی که اسلام می‌خواهد، تأثیر زیادی دارد. اسلام می‌خواهد این کانون تشکیل بشود و به وجود بیاید. اگر خانواده‌ها صحیح، قوی، سالم، بی‌انحراف و طبق سنت الهی تشکیل بشوند، آن وقت جامعه، جامعه‌ی سالمی خواهد بود. در خانواده همسر و مادر عضو اصلی است. زن در این مجموعه، جای بسیار اساسی و رفیعی دارد. به همین خاطر، وقتی اصل خانواده - یعنی زن - متزلزل است، در آنجا هیچ چیزی در جای خودش قرار ندارد» (بیانات رهبری در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۰/۴/۲۰).

ایشان وضعیت کنونی بانوان مسلمان ایرانی را با وجود توسعه حضور اجتماعی، دارای حدّ متوسطی از پیشرفت می‌دانند و معتقدند بانوان ایرانی هنوز در اول راه پیشرفت قرار دارند.

(بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۰۹/۲۴) *ژورنال علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

خانواده به‌منزله نهادی اجتماعی در بستر جامعه است که نقشی اساسی در تربیت نیروی فعال جامعه، بارور کردن توانایی‌ها و سلامت روان افراد بر عهده دارد. بدون شک هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، چنانچه از خانواده‌ای سالم برخوردار نباشد و باز هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده نباشد. از نگاه قرآن، خانواده، مدرسه محبت و دوستی است و در این میان، مادر نقش کلیدی در به‌سازی سبک زندگی اعضای خانواده و اجتماع دارد. امام خمینی علیه السلام، بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، می‌فرمایند: «مادر در این مدرسه نه تنها پناهگاه، بلکه نخستین و مؤثرترین آموزگار»

راهنما و الگوی کودک محسوب می‌شود. کودک به دلیل وابستگی عاطفی به مادر و محدود بودن دنیایش از همان جا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر. که از همه تقلیدها بالاتر است - و به تزییق مادر - که از همه تزییق‌ها مؤثرتر است. تربیت می‌شود» (خمینی، ۱۳۶۳ش: ج ۷، ص ۲۸۳).

بنابراین سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زنان است و این زن است که با تربیت صحیح خویش، انسان می‌سازد و کشور و جامعه را به سوی اصلاح پیش می‌برد. پس زنان باید در کسب فضایل و کمالات روحی و معنوی تلاش نمایند؛ چراکه در رشد دادن معنویت در جامعه نقش شایانی دارند. مقام معظم رهبری با تأکید بر جایگاه «مادری»، آن را وظیفه اصلی و حق زن می‌دانند و معتقد هستند جامعه غربی با محروم کردن زن از این حق به وی ظلم کرده است: «من می‌گویم مهم‌ترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت می‌تواند ایفا کند، آن نقشی است که به عنوان یک مادر و به عنوان یک همسر می‌تواند ایفا کند. این از همه‌کاره‌ای دیگر او مهم‌تر است» (بیانات رهبری در دیدار با بانوان نخبه، ۱۳/۰۴/۱۳۸۶).

در نگرش امام خامنه‌ای علیه السلام، از آنجاکه زنان نقش مربی را در خانواده بر عهده دارند، تفکرشان بر تفکر مردان جامعه نیز مؤثر است و بدین ترتیب اصلاح زنان به اصلاح مردان و در نتیجه اصلاح جامعه منجر می‌شود:

«اگر در کشوری زنان آن کشور بتوانند به این صفا، معنویت، رُفاء و تعالی فکری برسند، هیچ مشکلی در آن مملکت باقی نمی‌ماند، یعنی زن به‌طور محسوسی در مرد، تأثیر دارد. هم بر روی شوهرش، هم بر روی فرزندانش تأثیرات تعیین‌کننده‌ای می‌تواند بگذارد و لذا در واقع اصلاح جامعه با اصلاح زنان است» (بیانات رهبری در دیدار با جمعی از بانوان اندیشمندان، ۱۳۷۷/۷/۱۸).

ایشان بر این باورند که زن اگر به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آن‌ها را شیر داد، آن‌ها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آن‌ها آذوقه‌های فرهنگی، قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی، ماجراهای آموزنده فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای

جسمانی چشمانید، نسل‌ها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد (بیانات رهبری در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

در اسلام به‌عنوان مکتبی انسان‌ساز، بیشترین توجه به ولی خانواده به‌خصوص مادر است. اسلام، این نهاد مقدس را کانون تربیت می‌شمرد. وجود والدین بویژه مادر، نحوه پاسخگویی آنان به کودکان در مورد مسائل دینی، اخلاقی و تربیتی، نحوه تعامل آنان با رویدادهای زندگی و ایجاد انگیزه در کودک یا سهل‌انگاری در آموزش ادب و آداب دینی، همه متأثر از نوع برخورد و چگونگی واکنش به آن‌ها است.

نکته دیگر در ابعاد نقش آفرینی بانوان، مسایل علمی است. در دیدگاه رهبری، مناسب‌ترین زمینه برای فعالیت اجتماعی بانوان عرصه‌های علمی است؛ «کارهای دانشگاهی و علمی از هر نوعش برای زن مناسب است. زن اگر بخواهد استاد شده، تعلیم و تدریس کند، کتاب بنویسد، کارهای فرهنگی بکند؛ در هر رشته‌ای که باشد فرق نمی‌کند؛ چه رشته علمی محض باشد، چه رشته‌های علوم انسانی، تجربی و دینی باشد، تفاوتی نمی‌کند» (بیانات رهبری، ۱۳۶۶/۱۲/۱۳). از نظر ایشان، برترین زنان تاریخ کسانی هستند که از خودشان خرد، اراده، تصمیم درست و شخصیت انسانی نشان داده‌اند» (بیانات رهبری در گفت و شنود به مناسبت میلاد حضرت زهرا علیها السلام، ۱۳۷۷/۰۷/۱۸).

بانوان باید به خودباوری برسند و شخصیت واقعی‌شان را اظهار کنند؛ یعنی شخصیتی که تحمیلی یا تلقینی نیست. باید به زن فرصت داده شود تا استعدادهای عظیمی را که در درونش به‌طور بالقوه وجود دارد، بالفعل کند. از نظر رهبر انقلاب هدف از تعلیم و تربیت بانوان صرف اشتغال یا رسیدن به مناصب بالا نیست؛ زن باید شأن انسانی خود را در جامعه پیدا کند. شخصیت و اعتماد به نفس پیدا کند و این تصور که نسبت به مرد یک موجود درجه دوم و بازیچه خواسته‌ها و اراده مرد است، از بین برود (رک: بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۰۹/۲۴). در این مسیر، خود بانوان نقش اصلی را بر عهده دارند و باید مسئولیت‌ها، وظایف و جایگاه خود را در نظام اسلامی بیابند. مجالس زنانه نباید به سمت صحبت‌های پوچ سوق پیدا کند؛ مقابله با آثار به‌جامانده از فرهنگ قدیمی که به سطحی‌نگری بانوان و

عدم پیشرفت آن‌ها دامن می‌زند، کاری است که بانوان باید انجام بدهند. کسب علم و دانش توسط آنان موجب اعتلای تفکر خلاقانه اعضای خانواده می‌شود. باسواد بودن بانوان یکی از عوامل مؤثر در فرهنگ‌سازی صحیح اسلامی است؛ چراکه با کسب علم در انتخاب فرهنگ صحیح برای ایجاد سبک زندگی اسلامی دچار تزلزل نمی‌شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی تصریح نموده‌اند: «خانم‌های باسواد و تحصیل‌کرده، خانم‌های اهل معرفت که باید وارد یک میدان مبارزه صحیح برای مسئله زن شوند، به نظر من کوتاهی می‌کنند» (بیانات رهبری در دیدار با زنان نماینده مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۶/۰۶/۳۰)

در عرصه‌های علمی و پژوهشی، بانوان رشد مطلوب، اما ناکافی داشته‌اند. یکی از دلایل این رویه رواج سبک زندگی غربی است. غلبه نگرش مدرک‌گرایی به جای علم‌آموزی حقیقی و یا پرداختن به علومی که مبنای کاملاً غربی داشته و با روح و فطرت زنانه آمیختگی ندارد و نمی‌تواند وی را در بستر خانوادگی و تربیتی نسل آینده کمک رساند و همچنین گسترش نگاه تساوی بین زن و مرد که از جمله دیگر آثار سوء رواج این الگوست، سبب انحصار ابعاد فعالیت بانوان شده، به طوری که خصوصاً با ورود به عرصه‌های اشتغال، آنان را حتی از ایفای مطلوب نقش همسری و مادری باز می‌دارد.

از نقطه نظر رهبر معظم انقلاب علیه السلام در درجه اول، این بانوان هستند که باید برای حل مشکلات قشر خودشان اقدام کنند. جامعه بانوان باید کار فرهنگی را در اولویت خود قرار دهند و دادن شناخت و آگاهی به قشر بانوان، آن‌ها را در برابر تهاجم فرهنگی دشمن مقاوم می‌سازد. بانوان هستند که باید نگاه غلطی را که نسبت به آنان و مسائل مربوط به جنسیت وجود دارد، تصحیح کنند و متولی مسائل خویش شوند. حضرت امام خمینی علیه السلام لزوم تعلیم و تعلم را همراه و همزاد با تهذیب نفس می‌دانند و در این باره می‌فرمایند: «دخترم! پیمبران مبعوث شدند تا رشد معنوی به بشر دهند و آنان را از حجاب‌ها برهانند» (خمینی، ۱۳۶۳ش؛ ج ۱۸، ص ۴۴۵). ایشان می‌فرمایند:

«شما می‌دانید که فرهنگ اسلام در این مدت مظلوم بود، در این مدت چند صدسال، بلکه از اول بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله تا برسد به حالا فرهنگ اسلام

مظلوم بود، احکام اسلام مظلوم بودند و این فرهنگ را باید زنده کرد و شما خانم‌ها همان طوری که آقایان مشغول هستند، همان طوری که مردها در جبهه علمی و فرهنگی مشغول هستند، شما هم باید مشغول باشید» (خمینی، ۱۳۶۳ش: ج ۲۰، ص ۹).

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «امروز باید خانم‌ها به وظایف اجتماعی و دینی خودشان عمل کنند و عفت عمومی را حفظ کنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام دهند» (خمینی، ۱۳۶۳ش: ج ۱۶، ص ۱۱۶-۱۱۴).

در اوایل انقلاب اسلامی با توجه بدان که حرکت‌های فرهنگی بانوان مورد توجه و تأیید قرار گرفت، بستر مطلوبی برای نقش‌آفرینی بیشتر فرهنگی آنان در تمام ابعاد با توجه به بینش‌های دینی ایجاد شد، اما در ادامه غلبه سبک زندگی غربی بر فرهنگ جامعه، بانوان را از این مسیر دور و درگیر تغییر فرهنگی در تمام ابعاد داشت، به طوری که با مشغول ساختن آنان به امور نه چندان مهم، آنان را از فطرت و استعداد های خویش در زمینه‌های فرهنگی و تحول ساز اجتماعی دور ساخت. حال بانوی طراز انقلاب اسلامی در گام دوم انقلاب، با احیای مجدد نقش فرهنگی خویش در جامعه با تکیه بر سبک زندگی اسلامی، می‌تواند تحول‌آفرین و فرهنگ‌ساز برای جامعه باشد.

از نظر امام خامنه‌ای علیه السلام، داخل کردن بانوان به متن انقلاب، یکی از کلیدهای اساسی پیروزی هر انقلابی است:

«اگر حضور زنان در نهضت انقلابی ملت ایران نمی‌بود، به احتمال زیاد این انقلاب به این شکل پیروز نمی‌شد یا اصلاً پیروز نمی‌شد یا مشکلات بزرگی در سر راه آن پدید می‌آمد. بنابراین حضور زنان مشکل‌گشا بود. در جنگ هم همین‌طور بود، در مسائل دیگر از اول انقلاب تا به حال هم همین‌گونه بوده است. بنابراین تلاش زیادی شده است» (بیانات رهبری در دیدار با جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).

ایشان معتقدند این نقش حساس و بی‌بدیل باید ادامه داشته باشد:

«الآن برای نگه داشتن زن ایرانی در همان روندی که انقلاب او را در آن انداخته بود و حفظ آن حالت، به چند چیز احتیاج داریم؛ اول به ادامه استدلال، یعنی آن استدلال صحیح و متینی که نشان می دهد جایگاه والای زن چیست؛ ثانیاً به ادامه و حفظ حالت انقلابی در کنار وظائف مادرانه در او؛ ثالثاً جلوگیری از نفوذ آن چیزی که بیشترین تکیه گاه فرهنگ طاغوتی بود که آن غریزه را تحریک می کرد؛ یعنی عکس ها، فیلم ها و...» (بیانات رهبری در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳/۱۲/۱۴).

رهبر انقلاب در بیانی دیگر می فرماید: «اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا کنند، یک حضور جدی و آگاهانه و از روی بصیرت، آن حرکت به طور مضاعف پیشرفت خواهد کرد» (بیانات رهبری در دیدار با شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱).

در زمینه ی نقش سیاسی بانوان، تاکنون نفوذ سبک زندگی غربی نسبت به سایر لایه ها در این زمینه اثرگذاری کمتری داشته است. شاید بدان جهت که غرب اساساً نقش سیاسی خاصی برای آحاد بانوان جامعه در نظر نمی گیرد، هرچند برای تزلزل نقش سیاسی بانوان در جامعه اسلامی، تلاش کرده اند و تأثیرات اندکی نیز در این زمینه داشته اند، اما در واقع همچنان بانوان نقش و هویت سیاسی خویش را در جامعه حفظ نموده اند و تنها نیازمند پویایی بیشتر در این زمینه هستند تا فاصله ی میان نقش سیاسی امروز با آنچه مورد احتیاج گام دوم انقلاب هست را تقلیل دهند.

نتیجه گیری

۱. منویات رهبر انقلاب در آخرین فرازهای بیانیه گام دوم انقلاب در خصوص سبک زندگی اسلامی، مؤید آن است که این مهم آن قدر ژرف و حساس است که به طور مجمل نمی توان آن را در بیانیه گام دوم مطرح نمود. نکته دیگر آنکه ایشان به صراحت عنوان می نمایند که رواج سبک زندگی غربی در طول سالیان متمادی باعث ایجاد آثار سوء الگوی غربی در جامعه اسلامی شده که بخشی قابل جبران بوده و دسته ای دیگر غیرقابل جبران است. در

این نوشتار، با توجه به فرمایشات معظم له درباره سبک زندگی، تلاش شد در ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی به برخی از ویژگی‌های مثبت و آسیب‌های نقش بانوان در سبک زندگی اشاره شود که بانوی طراز انقلاب اسلامی باید در گام دوم انقلاب بتواند با شناخت این ویژگی‌ها سبک زندگی اسلامی را جایگزین آن کند. اولین اهتمام مجاهدانه‌ی زنان، قوت بخشی به استحکام نهاد خانواده است که این امر در عملکردی هوشمندانه با ایمن‌سازی این کانون و هدایت‌گری مدیرانه و معرفت‌افزایی دینی در بُعد خانوادگی توسط بانوان قابل دستیابی است. همچنین نقش آفرینی زن مسلمان در جامعه اسلامی به‌مخصوص در مسائل اجتماعی در هر زمان و دوره می‌تواند راهگشای مشکلات اجتماعی در جامعه باشد. از آنجاکه خانواده بهترین منبع الهام، شکل‌گیری شخصیت، رفتار و هنجارهای اجتماعی اعم از فرهنگی، علمی، سیاسی است، با حرکت مطلوب و سازمان‌یافته خود می‌تواند الگوی مناسب اجتماعی را در اعضای خود ایجاد نماید.

۲. بر مبنای منویات رهبر مکرم انقلاب اسلامی، آنچه در خصوص بانوان حتی در زمینه‌ی اجتماعی باعث آسیب شده و جلوی نهادینه شدن سبک زندگی اسلامی را گرفته است، رواج سبک زندگی غربی است. بانوان در عرصه‌ی اجتماعی از منظر بُعد علمی علاوه بر نقش آفرینی تعلیمی می‌توانند به‌عنوان منادیان حق با بصیرت‌افزایی و آگاهی بخشی به هم‌قشران خود گام‌های مؤثری را در زدودن سبک زندگی غربی و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی در گام دوم انقلاب بردارند. مشکل‌سازترین عامل در بخش فرهنگی، رواج خوی اشرافی‌گری، فاصله گرفتن از تأمین نیازهای واقعی و گرایش به میل‌سازی دروغین در بستر خانواده و اجتماع است. این نگرش غربی عامل اصلی بروز تعارضات فرهنگی در جامعه اسلامی است بانوان با روی آوردن و گسترش ارزش‌های فرهنگی - دینی در جامعه، می‌توانند نه تنها جلوی بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی را بگیرند، بلکه رشد و اعتلای فرهنگی را در راستای تمدن‌سازی به پیش برند.

۳. حضور بیش‌ازپیش بانوان در عرصه‌های سیاسی بر مبنای آنچه در سبک زندگی اسلامی مشخص شده و الگوهای طراز جهان اسلام همچون فاطمه زهرا علیها السلام بدان اهتمام

داشته‌اند، می‌توانند ناجی کشور در میان هجمه‌های سنگین دشمنان باشد؛ دشمنانی که از هیچ تلاشی برای نابودی انقلاب فروگذاری نمی‌نمایند.

۴. بانوان با شناخت عمیق از سبک زندگی اسلامی می‌توانند در حرکتی هوشمندانه آثار سوء سبک زندگی غربی را از نهاد مقدس خانواده و جامعه اسلامی پاک نمایند. آنان با انسجام دهی و ایمنی بخشی بستر خانواده و همچنین تهذیب نفس و تربیت نسلی با هویت و باطنی کاملاً اسلامی و مورد نیاز گام دوم انقلاب، با اتخاذ پیشرفت‌های علمی و ایفای نقش تعلیمی به‌ویژه در باب آموزه‌های دینی و معرفتی پرکاربرد و همراه سازی بانوان دیگر در این راستا بر روی فرهنگ جامعه تأثیر گذاشته و پایه‌های بینش سیاسی، انقلابی آحاد ملت را قوت ببخشند و هم‌زمان تأثیر بسزایی در تحقق سایر اهداف و توصیه‌های مرتبط با گام دوم انقلاب در بستر علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی که در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب وجود دارد، داشته باشند و نیز می‌توانند زمینه ایجاد حرکت و پویایی هدفمند خود و آینده‌سازان کشور را در جهت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و بیداری اسلامی سایر جوامع فراهم نمایند و به‌عنوان بانوی طراز انقلاب الگویی برای سایر بانوان عالم باشند.

پیشنهادات

۱. یکی از خلأهای جدی که سبب نفوذ سبک زندگی غربی در جامعه اسلامی شده است، عدم آشنایی دقیق خانواده‌ها به‌ویژه بانوان با سبک زندگی اسلامی است. بدون شک آشنایی دقیق و عمیق آنان با مضامین سبک زندگی اسلامی و آسیب‌های سبک زندگی غربی می‌تواند کمک شایانی به نقش‌آفرینی هوشمندانه بانوان و نهادینه‌سازی این سبک در جامعه اسلامی داشته باشد.

۲. تحقق الگو سبک زندگی اسلامی راهکاری مؤثر و کارآمد برای مقابله با ارزش‌های غرب در جامعه اسلامی است. لازمه تحقق آن، حضور فعال بانوان به‌ویژه نخبگان در اندیشه‌های علمی و تخصصی حوزه بانوان است تا با ارائه برنامه‌ای جامع از الگوی سبک

زندگی اسلامی به تفکیک نقش‌های موجود در نهاد خانواده و برنامه‌ریزی دقیق برای جامعه هدف بانوان نیاز آحاد جامعه را در شناخت عمیق سبک زندگی اسلامی پاسخ دهند.

۳. تبیین الگوی سبک زندگی متناسب با مقتضیات عصری و رواج سبک زندگی اسلامی در فضای رسانه و معرفی بانوانی نقش‌آفرین بر مبنای الگوی سبک زندگی اسلامی مورد انتظار است.

۴. تقویت روحیه جمع‌گرایی در برابر روحیه فرد انگاری حاصل از سبک غربی می‌توانند تأثیر بسزایی در بسیج نمودن جامعه بانوان برای ایجاد تغییر و روی‌آوری به سبک زندگی اسلامی خصوصاً در بُعد نقش‌آفرینی‌های اجتماعی داشته باشد.

۵. ایجاد کانون‌های آموزشی جهت آموزش مهارت‌های مرتبط با سبک زندگی اسلامی برای پُر کردن اوقات فراغت بانوان نیز شیوه‌ی دیگری برای تسریع نهادینه‌سازی همه‌جانبه‌ی سبک زندگی اسلامی هست.

۶. مهیا نمودن نمایشگاه‌های دائمی و یا مناسبتی با نام «سبک زندگی اسلامی» و ارائه هر آنچه در قالب خوراک، پوشاک، محصولات فرهنگی و جلسات روشنگری در این مکان‌ها، شیوه دیگری برای اغنای نیاز خانواده‌هاست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- قرآن کریم، ۱۳۸۰ش، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۷ش بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه.
 ۲. خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۳ش، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
 ۳. خواجه پور، محمد مهدی، ۱۳۹۳ش، نگاهی به مبانی سبک زندگی در اسلام و غرب، بوشهر: سفیران مبین.
 ۴. زیبایی نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۸ش، هویت و نقش‌های جنسیتی (مجموعه مقالات نقش‌های جنسیتی از دیدگاه اسلام با نگاهی به علوم اجتماعی)، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
 ۵. شاه‌عبدالعظیمی، حسین، ۱۳۶۳ش، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات.
 ۶. شایسته رخ، الهه و بهرامی، شایسته، ۱۳۹۱ش، اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده: نقش مادر در تربیت دینی کودک (با تأکید بر ادبیات شفاهی، مطالعه موردی لالایی)، تهران: نشر پیام عدالت.
 ۷. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴ش، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمدباقر موسوی، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
 ۸. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناشر خسرو.
 ۹. طبری، فضل بن حسن، ۱۴۲۱ق، جامع البیان فی تفسیر آی القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
 ۱۰. قائمی، علی، ۱۳۶۸ش، نقش مادر در تربیت، تهران: نشر امیری.
 ۱۱. کاویانی، محمد، ۱۳۸۸ش، «تربیت اسلامی گذر از اهداف کلی به رفتاری»، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، دوره ۱، شماره ۳، ص ۷۹-۹۲.
 ۱۲. مبینی مقدس، مجید، ۱۳۹۹ش، خانواده در منظومه ماه، تهران، قم: پژوهش‌های اسلامی رسانه صدا و سیما.
 ۱۳. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیه السلام)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۵۳ش، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۵. هدایت نیاگنجی، فرج‌الله، ۱۳۹۰ش، مجموعه مقالات اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده، تهران: پیام عدالت.